

# علیه اعدام



۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۵

شماره ۳۰

سردبیر: بابک شدیدی

آخرین اخبار مربوط  
به اعدام ها

صفحه ۶

متن پیاده شده پیام  
صوتی زندانی سیاسی  
ولی الله فیض مهدوی از  
زندان رجایی شهر

صفحه ۲

افزایش اعدام ها نشانه  
وحشت رژیم از سرنگونی

صفحه ۵

جنگجوی سپیده  
دمان

صفحه ۴

## مصاحبه با پویا لدونی دبیر فدراسیون پناهندگان ایرانی واحد کلن



ندارد و خود اعدام نیز قتل حساب  
میشود ، با این تفاوت که اعدام قتل  
قانونی میباشد و هر چیزی که  
چهره قانونی به آن داده شود برای  
عموم قابل هضم میشود. اعدام، هر  
نوعش به هر دلیل ممکن، طرد شده  
و غیر انسانیست.

صفحه ۳

جنایتکاران عصر حاضر میباشد، که  
آمار بیشترین اعدامها را در جهان  
دارند و رها شدن هزاران انسان که  
در انتظار اعدام بسر میبرند.

**به نظر شما اعدام مجازات است  
یا جنایت؟**

جواب این سوال کاملاً روشن  
میباشد. به کلمه و امر جنایت بیشتر  
شبیبه میباشد تا مجازات. همانطور  
که گفته شد اعدام و اشکال مشابه  
این امر ، اعم از سنگسار و یا قطع  
عضو بر اساس شریعت ، جنایت و  
قتل قانونی میباشد

**آیا باید یک قاتل حرفه ای را که  
کشتن کسب و کارش بوده اعدام  
کرد؟ اگر پاسخ مثبت و یا منفی  
است دلایلتان چیست؟**

به هیچ عنوان. همانطور که گفته  
شد اعدام راه حل نیست و جز  
تکرار جنایت چیز دیگری در بر

**سلام و خسته نباشید. لطفاً  
خودتان را بیشتر برای  
خوانندگان نشریه علیه اعدام  
معرفی کنید.**

من پویا لدونی هستم از اعضای  
حزب کمونیست کارگری ایران و  
مشاور کمیته کلن و همکار کمیته  
اعدام و دبیر فدراسیون پناهندگان  
ایرانی واحد کلن. مدت دو سال  
میباشد که با کمیته بین المللی مقابله  
با اعدام همکاری میکنم و علت این  
همکاری برچیدن کامل این عمل  
شنیع و غیر انسانی در تمام دنیا  
مخصوصاً کشورهای اسلامی و  
ایران ، و رسوا کردن حکومت فاسد  
اسلامی و حکومتهایی که با تیغ  
اسلام سیاسی و جو دیکتاتوری و  
کشتن انسانها سعی بر پایداری و  
بقای خود دارند و فاش کردن چهره  
جنایتکار این جانیان بخصوص  
جمهوری اسلامی که سردرسته

برنامه های مینا احدی در  
سفر سه روزه به شهر  
وین



مینا احدی چهره سرشناس مدافع  
حقوق انسانی ، برای یک سخنرانی  
در سمپوزیوم جهانی بررسی مذهب ،  
به شهر وین میروید. طی سه روز  
اقامت در این شهر چندین ملاقات و  
مصاحبه رادیویی و مصاحبه با  
مطبوعات دارد که در اینجا این  
فعاليتها را به اطلاع میرسانیم.

روزهای ۴ و ۵ ماه مه به  
دعوت مرکز برونو کرایسکی و  
همکاری چند نهاد دیگر ،  
سمپوزیومی تحت عنوان غرب و

صفحه ۲

## اعدام عملی شنیع و ضد انسانی است!

از صفحه ۱

**برنامه های مینا احدي**

دنياي اسلام، فاکتھا و پيش داوريھا برگزار ميشود که در آن بيش از سي سخنران از کشورهاي مختلف حضور داشته و در مورد اين مسئله بحث و گفتگو خواهند کرد.

مینا احدي روز پنج ماه مه سخنران این سمپوزیوم است و در یک پانل با حضور اوتو اشتاین باخ رئیس مرکز شرق شناسی آلمان، عمران راوي، توماس شوارتز ژورنالیست معروف اطریشی شرکت خواهد کرد.

مجري این برنامه مجري معروف تلویزیون سراسري اطریش فرانتس کوسلر خواهد بود.

طی این سفر سه روزه به اطریش مینا احدي همچنین برنامه های متعددی دارد که شامل این ملاقاتها و مصاحبه ها است:

چهارشنبه ۳ ماه مه ساعت ۱۰ صبح، مینا احدي در برنامه رادیو سراسري اطریش " او ار اف" مهمان این برنامه خواهد بود و در مورد مسائل متعددی و از جمله خطر حمله نظامی

امریکا به ایران گفتگو خواهد کرد.

روز چهارشنبه ۳ ماه مه ساعت سه بعد از ظهر مینا احدي در برنامه رادیو " اف ام ۴" خواهد بود و در آنجا نیز در یک گفتگو در مورد مسائل مختلف، فعالیتهاي کمیته علیه سنگسار و علیه اعدام و همچنین اوضاع سیاسی روز ایران گفتگو خواهد کرد.

ساعت ۱۰ صبح روز پنجشنبه ۴ ماه مه، مینا احدي تعدادی از نمایندگان پارلمان در اطریش را ملاقات خواهد کرد. روز پنج شنبه ساعت ۱۲ ظهر، مینا احدي در محل روزنامه سراسري فالتر در شهر وین، گفتگویی با خبرنگار این روزنامه در مورد تحولات جدید در اوضاع ایران و احتمال حمله نظامی امریکا و همچنین فعالیتهاي بین المللي وي بعنوان یک فعال مدافع حقوق انسانی خواهد داشت.

ساعت سه بعد از ظهر روز پنجشنبه، مینا احدي میهمان سازمان سراسري زنان در اطریش " همبستگی زنان" خواهد بود و در آنجا

ملاقات با هیئت تحریریه نشریه " همبستگی زنان" یک مصاحبه نیز با این نشریه خواهد داشت.

روز جمعه ساعت ۱۰ صبح، مینا احدي با فعالین و مسئولین سازمان عفو بین الملل اطریش ملاقات خواهد کرد. در این نشست در مورد آخرین اخبار اعدامها در ایران و ضرورت دامن زدن به اعتراضات گسترده تر جهانی بر علیه احکام اعدام در ایران صحبت خواهد کرد.

**کمیته بین المللي علیه****اعدام****۲ مه ۲۰۰۶****http://****www.adpi.net**

از صفحه ۱

**متن پیاده شده پیام صوتی**

با درود به تمامی هموطنان عزیزم که در ایران و سراسر جهان صدای منو می شنوند. من ولی الله فیض مهدوی متولد پنجم بهمن ماه هزار و سیصد و پنجاه و هشت هستم که در... ماه سال هزار و سیصد و هشتاد در سن بیست و دو سالگی به دست مامورین وزات اطلاعات به اتهام پیوستن به سازمان مجاهدین خلق ایران و اقدام علیه امنیت کشور دستگیر شدم. بعد از دستگیری مدت پانصد و چهل و شش روز در سلول های انفرادی وزارت اطلاعات تحت بازجویی و

شدید ترین شکنجه های فیزیکی و روحی قرار گرفتم. در طول این مدت در زندان انفرادی چیزهایی که همیشه و همه جا با من بود دستبند و پابند و یک چشم بند مشکلی بود و در یک سلول چهار متری که نور کافی هم نداشت به سر میبرد. این دوران سخت ترین دوران زندگی من بود. بعضی از شب ها مامورین وزارت اطلاعات و بازجو منو از خواب بیدار میکردند و به محوطه خارج از سلول می بردند و به من میگفتند که آخرین حرفاتو بگو. بعد با شلیک یک گلوله منو می ترساندند. من فکر میکردم که گلوله بهم اصابت کرده و مدتی شوکه بودم اما دوباره دست منو میگرفتند و به سلولم باز میگرددند. بعد از اتمام دوران انفرادی در سال هزار و سیصد و هشتاد و دو در شعبه بیست و شش یا بیست و سه دادگاه انقلاب تهران فقط در یک جلسه دادگاه که مدتش هم بسیار اندک بود به ریاست قاضی حداد به اعدام محکوم شدم. در همون جلسه دادگاه تمام اتهاماتی را که به من وارد شده بود صریحا رد کردم و با صدای بلند فریاد زدم که دادگاه رژیم را به رسمیت نمی شناسم. در همان روز به علت اعتراض به قاضی دادگاه به زندان دیزل آباد کرمانشاه منتقل شدم و چند ماه در آن زندان در بدترین شرایط ممکنه نگهداری می شدم. اواخر سال ۱۳۸۲ بود به زندان اوین تهران منتقل شدم و بعد از چند ماه یک بار دیگر به دل علت درگیری لفظی ام با بختیاری رییس سابق سازمان زندان های کل کشور به زندان گوهر دشت کرج موسوم به رجایی شهر تبعید شدم. یادم میاد در بدو ورودم به این زندان یعنی همین زندان رجایی شهر رییس سابق زندان آقای ملکی به

به من گفت که دیگه تو این زندان هیشکی به دادت نمی رسه. از اون زمان تا امروز مورد آماج تهدیدات و حتی حمله زندانیان خطرناک به تحریک مسئولین زندان قرار گرفتم و در سخت ترین شرایط ممکنه با حداقل امکانات که برای یک زندونی لازمه زندگی میکنم. البته زندانیان سیاسی تو زندان رجایی شهر اکثرا..... نگهداری میشن و این کاملا طبیعیه. چند روز قبل از فرا رسیدن نوروز سال ۱۳۸۵ بود که توسط معاون قضایی زندان رجایی شهر آقای علیمحمدی برگه ای به من ابلاغ شد که حاکی از اجرای حکم اعدام در بیست و ششم اردیبهشت سال ۱۳۸۵ بود. همین هفته گذشته بود که رییس بند شش محمد جارویی منو به دفترش احضار کردو با لحنی خشن و تهدید آمیز به من گفت که چرا اخبار مربوط به حکمتو به بیرون از زندان میدی. این کارها اصلا به نفع تو نیست همانطور که به نفع حجت زمانی نبود. بله. د من در طول مبارزاتی که داشتم آموختم که برای یک فرد مبارز اهمیتی نداره که حتما خودش به هدف نهایی اش برسه بلکه مهم تر از همه چیز تداوم مبارزه در راه رسیدن به هدفه و معتقدم که اصلت آزادی و دموکراسی مثل تنفس برای هر انسانی حیاتی و لازمه و برای همین از شما می خوام که در برابر زورگویی های حکومت آخوندی حاکم بر ایران دست از مبارزه خودتون نکشید. در پایان هم پیامی دارم برای عمال و سرکردگان حکومت و به اونها میگم که ما هرگز تن به ذلت و پستی در مقابل شما نخواهیم داد و به حکومت دیکتاتوری شما به قیمت از دست رفتن جونمون هم "اری" نخواهیم گفت.

از صفحه ۱

**مصاحبه با پویا لدونی**

باید اول دید که کسی که غتل انجام داده یا قتل را حرفه خود قرار داده علتش چیست؟ چرا یک انسان قاتل میشود؟ چرا در یک جامعه از سر نداری و نا بسامانی و فقر و ... انسانی حرفه قاتلی و یاغی گری را در پیش میگیرد و باید به دنیا ریشه و علت گشت. باید نقاط ضعف اجتماع و سیستم حکومتی و روانی را پیدا کرد و این نابسامانی ها را ریشه کن کرد. با آموزش صحیح مسیر زندگی این افراد را تغییر داد. علم و روانشناسی و جامعه شناسان این امر را ثابت کرده اند.

**با لغو مجازات اعدام، جنایتکاران قاتل چگونه باید کیفر ببینند؟**

بنظر من همانطور که گفتیم این نابسامانیها و جنایات و قتل ها را باید ریشه یابی کرد و این افرادی که دست به جنایت میزنند را از جامعه جدا کرد و مورد درمان و آموزش صحیح برای یک زندگی سالم قرار داد ، چون این شخص تحت شرایط خاصی دست به این عمل زده و ریشه روانی و نابسامانی اجتماعی داشته است.

**علل اصرار و اشتیاق مسلمانان بنیادگرا به کشتن و حذف فیزیکی مخالفان خود بویژه دگراندیشان را در چه میدانید؟**

این امر ریشه در جنگ ستیزی و بی حقوقی و نبودن کلمه آزادی در اسلام سیاسی دارد. اسلام گرایان از بدو پیدایش اسلام قوانین اعدام را برای تمامی مخالفانشان بر قرار

کردند تا جو ترس و خفقان را در جوامع پرورش دهند تا کسی در صدد حق خواهی یا اعتراض نیافتد و افرادی که تفکر آزادی خواهی و روشنفکرانه دارند ، از ترس مرگ و از هم پاشیده شدن خانواده شان لب باز نکنند، تا این جانیان بتوانند به حکومتشان ادامه دهند. علت اصلی را من در بوجود آوردن جو رعب و وحشت و نشان دادن اقتدارشان در جان و مال مردم میباید و کنترل کامل انسانها و مخالفان از طریق تهدید به مرگ . قوانین اسلامی و دست باز و خیال آسوده از دست مخالفان و آزاد اندیشان خلاص شوند و ما نمونه های این عمل را در کشورهای اسلامی ، بخصوص ایران می بینیم.

**یک سؤال متفاوت اعدام و همجنسگرایی؟**

ما در سال گذشته و امسال شاهد اعدام 4 جوان و نوجوان همجنسگرا در مشهد و گرگان بودیم که صحنه های دلخراش این دو اعدام را سایتهای اینترنتی و روزنامه ها و اخبار دیدیم. جمهوری اسلامی روش کثیفی را در پیش گرفته است و در این دو مورد جدید اعدام همجنسگرایان از این امر استفاده کرده و برای اینکه جوابگوی اعتراضات بین المللی باشد، این جوانان را شهادت و چاقوکش و بچه ربا و اختلال گر نامید تا به موضوع رنگ و بوی جنایی ببخشد و به دنیا بگوید ما 4 نفر شهادت و متجاوز را کشتیم که باعث اختلال و نا امنی در

در جامعه بودند، در صورتی که حقیقت چیز دیگریست. اعدام، شکنجه و تعقیب همجنسگرایان در ایران و کشورهای اسلامی تاریخچه درازی دارد و جمهوری اسلامی از بدو پیدایشش تا بحال اعدامهای زیادی از همجنسگرایان را انجام داده است و متأسفانه بسیاری از این اعدامها را در پشت درهای بسته و بدور از چشم مردم دنیا انجام داده و ما از همه این اعدامها باخبر نیستیم و نمیشویم. ولی چیزی که نمایان میباشد این است که یکی از افشاری که همیشه هدف اعدامها در ایران بوده اند و هستند ، همجنسگرایان میباشند و طبق قوانین اسلامی اعدام همجنسگرایان در صورت تشخیص و ثابت شدن اعدام صد در صد میباشد.

**آخرین اخبار مربوط به اعدام همجنسگرایان ایرانی**

همانطور که گفته شد جمهوری اسلامی آمار صحیحی از هیچ اعدام و یا شکنجه و قطع عضو را نمیدهد ولی در 15 مارس 2005 جمهوری اسلامی دو همجنس گرا را با پیدا کردن فیلم ویدئویی از صحنه های همجنسگرایی این دو مرد به اعدام محکوم کرد و این دو به احتمال زیاد در انتظار اعدام میباشند. ولی هیچ گزارشی از طرف جمهوری اسلامی داده نشده است، طبق معمول.

**به نظر شما برای پایان دادن به این وضعیت چه باید کرد؟**

باید دید مردم را متوجه این امر کرد که اعدام قتل قانونی میباشد و قتل محسوب میشود. با فشار

های بین المللی و سیاسی به کشورهای که حامی اعدام هستند و جوامع بین المللی و کشورهای مختلف اعتراضات گسترده جهانی را برنامه ریزی کرد و افشا کردن اعدامها و چهره کثیف حکومتهای فاسد و ظالم، قوانین اعدام را برچید و از اعدام بعنوان یک مجازات نام برد بلکه بعنوان یک جنایت نام برد.

**الهام افروتن هم به کمک نیاز دارد، مثل فاطمه حقیقت پژوه!**

از وبلاگ چشم هایش

<http://donbalak.blogspot.com>

در خبرها آمده بود که نوزدهم اردیبهشت ماه ، الهام افروتن به همراه یکی از همکارانش به نام محسن درستکار ، محاکمه خواهند شد. همین طور گفت و گویی را در خبرها دیدیم با پدر الهام . پدر الهام افروتن در این گفت و گو با نگرانی از وضعیت دخترش، از تمام روزنامه نگاران خواسته بود که به دخترش کمک کنند. این در حالی بود که پیش تر الهام افروتن پس از انتشار خبر خودکشی اش ، در گفت و گویی که تنها خبرنگار خبرگزاری ایرنا در آن حضور داشت از فرصت طلبی بیگانگان ابراز انزجار کرده بود (البته همگی ما از کم و کیف این چنین گفت و گو هایی خبر داریم) و همچنین مادرش نیز در ماه اسفند بنا بر فشاری که برخاتواده شان بود ، اظهار اطمینان کرده بود که دخترش بزودی آزاد می شود . پس از انتشار مصاحبه الهام افروتن با

**مجازات اعدام شنیع ترین شکل قتل عمد است**

## جنگجوی سپیده دمان

## ایرج مصداقی

«دل‌هایمان در آروزی بوسه‌ای به گونه‌هاش  
آی چه بی‌قرار می‌شوند»

شاید ماه دیگر، یا آنطور که وعده کرده‌اند، ۱۲ روز دیگر ولی‌الله فیض مهدوی در میان ما نباشد. که هرگز این چنین می‌میرد. او را غمی نیست چنان که خود بارها گفته است، می‌رود تا جاودانه گردد.

اما برای من همه چیز دوباره تکرار می‌شود، چون روزهای پرتالهاب قتل‌عام ۶۷ در راهروهای مرگ وقتی که

عزیزانم را به صف می‌کردند؛ بوسه‌ای از راه دور نثارش می‌کنم و قطره اشکی بدرقه‌ی راهش.

صدایش را می‌شنوم، مثل صدای بچه‌هاست در راهروهای مرگ، با همان صلابت و صمیمیت، با همان سادگی و صفا.

از روزی که عزیزانم در خاک شدند، مشتاق روییدن دوباره‌ی آن‌ها هر روز به زمینی که از شرم عنابی بود می‌نگریستم و با خود می‌خواندم: «کدام دانه فرو رفت در

زمین که نرسد؟ چرا به دانه انسانیت این گمان باشد؟»  
حالا با اشتیاق به نهال‌های انسانی رسته پیش رویمان نگاه می‌کنم به نهال «حجت»، به نهال «فیض»

به صدای «فیض» گوش می‌سپارم، تنها به شکوه رفتن او نمی‌اندیشم، به تحقیری که از این طریق رژیم بر ما روا می‌دارد نیز می‌اندیشم.

می‌دانم خیلی‌های دیگر نیز این صدا را شنیدند و سکوت کردند. شاید «فیض» را از ما بگیرند.

اما مایی که می‌مانیم، اما شمایی که می‌مانید و سکوت می‌کنید، آیا پس از این جاودانگی، آسوده می‌خواهید؟

با شما هستم: «آی آدم‌ها که بر ساحل نشسته شاد و خندانید

یک نفر در آب دارد می‌سپارد جان»

پارسال گنجی قرار بود چند صباحی دیگر زندان باشد، اعتصاب غذا هم کرده بود، یادتان هست چه کردید؟

یادتان هست چه اعلامیه‌ها دادید، چه مقاله‌ها نوشتید، چه کمپین‌ها برگزار کردید؛ چقدر نماینده و ... بسپج کردید؟

از نظر من به خاطر ظلمی که بر

گنجی رفته بود، او شایسته حمایت بود.

اما آیا شمایی که امروز نظاره‌گر ظلمی هستید که بر ولی‌الله فیض مهدوی می‌رود و سکوت می‌کنید، به ارزش‌هایی که دم از آن می‌زیدید پای‌بندید؟

یک بار دیگر اعلامیه‌هایتان را بخوانید، تردیدی نداشتیم و ندارم به آن‌چه که می‌گفتید اعتقادی ندارید؟ گنجی و رنجی که او و خانواده‌اش می‌بردند، بهانه بود.

شمایی که امضایتان را بی‌دریغ خرج می‌کنید، چرا در این مورد کوتاهی کرده‌اید؟

ولی‌الله فیض‌مهدوی پس از انقلاب در روزهای پرتالهاب سال ۵۸ دیده بر جهان گشود، در دورانی که گنجی و

دوستانش می‌رفتند تا دستاوردهای انقلاب بهمین را به نابودی گشانند.

در روزهایی سخن گفتن آموخت که سیاهی و نکبت و خشونت از در و دیوار می‌بارید، تخت‌های شکنجه و میدان‌های تیر و چوبه‌های دار لحظه‌ای از کار باز نمی‌ایستادند.

او هنگامی به مدرسه رفت که کودکان را از پشت میزهای تحصیل به جبهه‌های جنگ و میدان‌های مین گسیل می‌داشتند.

او هنوز خود را نشناخته بود که

جنگ پایان یافت و هزاران زندانی سیاسی به خاک و خون کشیده شدند.

او نظاره‌گر جنایاتی بود که در میهنش و پیش روی چشمانش روز و شب اتفاق می‌افتاد. و البته گنجی و دوستانش نیز در تحمیل این سیاهی و نکبت سهیم بودند، هر چند گنجی بعدها تلاش کرد از آن فاصله بگیرد.

هیچ‌ده ساله بود که غوغای خاتمی برخاست و فتنه‌ی او خیلی‌ها را با خود برد، حتا آنان که ادعای مبارزه با رژیم را داشتند.

اما «فیض» نماینده و فریاد نسلی شد که دیر یا زود سربلندی را به میهن بازخواهد گرداند.

در این راه ۵۴۶ روز سلول انفرادی را همراه با شکنجه‌های جسمی و روحی و با دست بند و پابند و چشم‌بند پشت سر گذاشته است. بارها اعدام مصنوعی شده است ولی همچنان فریاد برمی‌آورد که «تن به ذلت و تسلیم نمی‌دهد، چرا که فکر می‌کند «عدالت و آزادی و دمکراسی مثل تنفس برای هر انسانی حیاتی و لازم است». او ۵ سال زندان را پشت سر گذاشته و همچنان پرنشاط است و امید.

و دادگاه و اندرزگاه و بیدادگاهند. نمی‌خواهم از دیگرانی که حالا در بندند و شاید در نزدیکی الهام، چیزی بگویم و یا نسبتی به آنها بیافزایم که هر کدامشان سررشته‌ی یک قصه‌اند و یک غصه. اما این را می‌دانم که الهام باید حالا مفاهیم واژه‌ها را زندگی می‌کرد. باید بیشتر می‌آموخت روزنامه‌نگاری را. باید که دوست داشته می‌شد. باید که سایه‌ی عشقی روی سرش بود. رهایی را تجربه می‌کرد در بهار. باید مثل هر کدام از ما خودش را می‌نوشت.

باور کنید او کمتر از فاطمه حقیقت‌پژوه، کبری رحمانپور و یا افسانه‌نوروزی نیست.

بسیاری مسایل را به خاطرمان بسپاریم و مدام از آن بنویسیم. بلکه هستند کسان یا نهاد‌هایی که کارشان پرداختن به همین موضوعات است، به همین پرونده‌ها. به همین کسان. همان‌هایی که دنباله‌ی نام سازمان، نهاد و شرکت و یا هر چیز دیگرشان یک حقوق بشر هم دارد. همان‌هایی که می‌گویند کارشان این است که از این حقوق دفاع کنند. همان‌هایی که هر جا صحبت از فتح و فتوحات است نام حقوق بشر را می‌آورند. اما انگار فراموش کرده‌اند که دختر ۲۱ ساله‌ای که سر و کارش با کلمات بوده و هیچ وقت پایش به هیچ محکمه‌ای گشوده نشده بود حالا در میان کسانی است که بیشترشان مسافران راه پاسگاه و

بازداشت به سر می‌برد. می‌دانم که نامش توی این سه ماه توی خیلی جاها نوشته و تکرار شده است، اما با این وجود گویا نامش خیلی در ذهن ما ماندگار نبوده است، چرا که خیلی زود و شاید با یک بی‌مهری کوچک نامش را فراموش کرده ایم و حتی چهره رنگ پریده‌اش را نیز از خاطر برده ایم. همان طور که چهره و نام منصور اسانلو را از خاطر برده ایم.

دوست ندارم بگویم که ما موج سواریم و تا جریانی تولید نشود، حرکتی نمی‌کنیم. نمی‌خواهم اصلا این را بگویم، اما عمل ما این طور نشان می‌دهد که فراموش داریم یا بهتر است بگویم شده ایم. اما تنها این ما نیستیم که باید



خبرگزاری جمهوری اسلامی و همچنین اظهارات مادرش کمتر خبری درباره این خبرنگار زندانی در رسانه‌ها منتشر شد. و شاید این همان چیزی بود که بازجویان و مسولان قضایی خواستارش بودند. آن طور که از شواهد و اخبار منتشر شده پس از حکم ۲۰ ماه حبس تعزیری برای علی دیرباز مدیر مسول نشریه تمدن هرمزگان به نظر می‌رسد، مسولان قضایی در تدارک حکمی سنگین (یا حتی اعدام) برای الهام افروتن و همکارش در شرایط فعلی هستند. حالا که این سطرها را می‌نویسم نزدیک به سه ماه است که دختر جوانی به نام "الهام افروتن" در



## افزایش اعدام ها نشانه وحشت رژیم از سرنگونی

علیرضا عبدوسی



زده و می زند. تلاش برای دستیابی به سلاح هسته ای، صدور تروریسم و خشونت و کشتار بی گناهان بی دفاع بر اثر اعمال تروریستی از یک سو و از دیگر سو وطن فروشی و بر باد دادن هست و نیست کشور با معامله های پنهان و آشکار و دادن امتیازهای اقتصادی و دادن باج به طرفهای خارجی حامی رژیم از کیسه و جیب مردم محروم ایران، در بعد خارجی و بین المللی و از طرفی تداوم و تشدید اعدام، شکنجه و زندان و سرکوب عمومی در داخل کشور.

من به عنوان یک ایرانی آزادیخواه فریاد مظلومیت و دادخواهی مردم ایران را به گوش های جهانیان میرسانم و برای جلوگیری و توقف این اعدامهای وحشیانه از تمامی مجامع و محافل حقوق بشری تقاضای

کمک می کنم و استمداد می طلبم. دیروز نیست روزی که تمامی رهبران و سردمداران و مزدوران جانی رژیم آخوندی از صدر تا ذیل در پیشگاه مردم ایران و عدالت حاضر شده و پاسخ گوی اعمال و جنایات خود بوده و به سزای جنایات خود برسند. با امید به رسیدن آن روز بزرگ.

کشورهای دیگر جهان مخصوصاً کشور همسایه عراق، سعی در باج خواهی از جامعه جهانی برای حفظ سلطه و بقای و ادامه حکومت ننگین خود بر کشور عزیزمان ایران است. مگر مردم ما در طی مدت حکومت این جنایتکاران تسلیم و مرعوب این جانیان شده است. مگر ملت ما با دیدن سال های سیاه اوایل دهه 1360 که گاهاً روزانه صدها تن از رشیدترین و پاک ترین فرزندان خود را تقدیم راه آزادی کرده تسلیم و مرعوب شده. مگر مردم ما با قتل عام وحشیانه و بی سابقه هزاران

هزار زندانی سیاسی اسیر و بی گناه در تابستان سال 1367 تسلیم و مرعوب شده. جنایاتی که تمامی سردمداران رژیم در آن شرکت داشته و دارند و دستشان تا مفرق به خون مردم ایران آغشته است.

جنایتکارانی از تمامی جناح ها و گرایشات فکری درون رژیم از خامنه ای، رفسنجانی، خاتمی گرفته تا دیگر مزدوران ریز و درشت این حکومت. جمهوری اسلامی تنها راه بقا خود را ریختن هر چه بیشتر خون می داند بس.

این جانیان برای بقا و ماندگاری خود دست به هر عملی رذیله ای

کارگر، کارمند،... صورت می گیرد برای بقای نظام ضد انسانی خود چاره ای جز بر پا کردن چوبه های دار بر سر هر کوی برزن ندارد. قوه قضائیه جنایتکار رژیم که ریاست آن مستقیماً توسط رهبر و ولی فقیه نظام انتخاب می شود، به نیابت

از خامنه ای رهبر پوشالی رژیم آخوندی، با صدور این احکام ضد انسانی به خیال خود قصد مرعوب کردن و ترساندن ملت قهرمان و بزرگوار ایران را دارد.

در این شرایط رژیم با یکدست کردن خود و کنار زدن تمامی پرده های ظاهر فریبانه و به اصطلاح اصلاح

طلبانه، با روی کار آوردن هارترین جناح و نیز یک پاسدار تروریست تیر خلاص زن به نام احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور (که اخیراً به شکل مضحک و چندان آوری مدعی شده است که او فقط یک معلم مدرسه است و آزار او حتی به یک مورچه هم نرسیده است) به مردم ایران و تمام کشورهای جهان چنگ و دندان نشان میدهد. همزمان رژیم با پیشبرد یک برنامه مخفی اتمی برای دست یافتن به سلاح هسته ای

و گسترش و صدور تروریسم به

اعلام خبر حلق آویز کردن سیزده زندانی و به اعدام محکوم شدن بیست و سه نفر دیگر فقط در طی دو روز

آخر فروردین ماه که آنهم فقط در یک روز در زندان اوین ده نفر حلق آویز شدند و همچنین اعدام یک زندانی سیاسی در سال گذشته و نیز ابلاغ حکم اعدام چندین زندانی سیاسی دیگر، به همراه تشدید و سرکوب وحشیانه زنان و جوانان تحت عناوین آخوند ساخته بد حجابی و غیره و ایجاد گشت های مختلف

خیابانی آن هم بدون هیچ پرده پوشی و مخفی کاری و به صورت علنی، حاکی از رویکرد رژیم جنایتکار

و ضد بشر جمهوری اسلامی برای تشدید رعب و وحشت جهت مقابله با ناراضیاتی گسترده عمومی در جامعه است.

در زمانی که رژیم جهل و جور و ظلم و فساد آخوندی در چنبره مشکلات عدیده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی

و... گرفتار شده و به موازات تشدید روز افزون انزوای بین المللی و اوجگیری و گسترش اعتراضات و

مخالفت های داخلی که از طرف همه اقشار جامعه اعم از دانشجو

از این سایت ها دیدن کنید:

www.jawanan.org  
www.m-hekmat.com  
www.rowzane.com  
www.hambastegi.org  
www.azadizan.com  
www.wpiran.org  
http://group.yahoo.com/group/javanankomonist/  
Www.adpi.net  
http://www.socialismnow.org/

کمک مالی به

کمیته بین المللی علیه اعدام

برای نجات جان فاطمه و صدها زندگی دیگر!

شماره حساب برای پرداخت کمک مالی

شماره حساب:

International comitte against excecutions  
Plus Giro 3-412085  
Sweden

# آخرین اخبار مربوط به اعدام ها:



بابک شدیدی

## حکم اعدام جوان ۲۲ ساله مشکین شهری در زندان اردبیل اجرا شد. 84.12.05:

بنابر خبر منتشره در سایت ایسنا یک جوان 22 ساله در تاریخ اول اسفند در زندان اردبیل اعدام شد. این جوان متهم بقتل یک جوان 18 ساله در سال 82 در یکی از روستاهای مشکین شهر میباشد. حکم اعدام وی در اول اسفند در زندان اردبیل به اجرا درآمد.

## اعدام سه تن در زندان کارون.

بنا به گزارشها و اطلاعات "جبهه دمکراتیک مردمی ملت عرب اهواز" صبح دیروز سه تن به نامهای عاطف موسوی فرزند نور، انور موسوی فرزند نور و جلال نصیری فرزند ناصر که در رابطه با بمب گذاریهای اخیر اهواز دستگیر شده بودند در زندان کارون اعدام شدند. جبهه دمکراتیک اهواز - 84.12.10

## دو نفر باتهام بمب گذاری در اهواز در ملاء عام اعدام شدند. 84.12.11:

بنابر خبر دریافتی صبح روز پنجشنبه 11 اسفند دو نفر بنامهای علی عفرای و مهدی ناصری بود به اتهام بمب گذاری در حوادث اخیر اهواز در ملاء عام در خیابان سلمان فارسی بدار کشیده شدند.

## یک متهم بقتل در گلپایگان به دار آویخته شد. 84.12.12:

بنابر خبر منتشره در سایت دولتی ایرنا، روز پنجشنبه یک متهم بقتل در گلپایگان در ملاء عام بدار آویخته شد. وی علیرضا پ- ۲۹ ساله، که در شهریور سال جاری همسر خود به نام "اشرف - ز" را به قتل رسانده بود.

## جوانی در شهرستان قزوین به دار آویخته شد.

بنابر گزارش روزنامه دولتی اعتماد یک جوان 24 ساله بنام «حسین س» صبح روز شنبه 13 اسفند در شهرستان قزوین بدار آویخته شد. وی متهم به تعرض به عنف میباشد.

## متهم بقتل در شوشتر در ملاء عام اعدام شد. 84.12.15:

بنابر خبر سایت دولتی ایرنا یک متهم بقتل بنام ایرج - د باتهام قتل یک نفر در روستای شرافت شوشتر را بقتل رسانده بود اعدام شد.

## متهم به قتل دو برادر در اصفهان به دار آویخته شد. 84.12.15:

بنابر خبر منتشره در روزنامه دولتی همشهری، صبح دیروز مردی که متهم به قتل دو برادر در اصفهان بود در ملاء عام به دار آویخته شد. نام او در 12 تیرماه 83 در نزاعی دو برادر بنامهای عباسعلی و مجید را با چاقو بقتل رسانده بود.

## مردی باتهام سرقت مسلحانه در ملاء عام اعدام شد. 84.12.18:

گزارش روزنامه ایران روز چهارشنبه 17 اسفند، مردی بنام حبیب 28 ساله باتهام چند فقره سرقت مسلحانه در منطقه دروازه رشت قزوین در ملاء عام بدار آویخته شد.

## اعدام 1 نفر در شهر آمل. 84.12.21:

بر اساس حکم دادسرای کیفری شهرستان "آمل" در استان مازندران فردی با نام "بهرز نژادی" متهم به قتل روز شنبه 20 اسفندماه در شهرستان آمل و در محوطه لانتري 11 آمل به دار آویخته شد.

## حکم اعدام یک متهم به قتل در ملاء عام اجرا شد. 84.12.28:

بنابر خبر منتشره در سایت خبرگزاری فارس، صبح امروز فردی که متهم به قتل بود در

بود در ملاء عام در جهرم اعدام شد. وی ح. ز نام دارد و سال 82 به قتل یک نفر در جهرم میباشد.

## اعدام یک جوان 19 ساله در جیرفت. 84.12.28:

فردی به نام مصیب شهداندزاد، 19 ساله، در چهارراه فرمانداری شهرستان جیرفت در ملاء عام حلق آویز شد.

## سحرگاه چهارشنبه یک متهم بقتل در ملاء عام اعدام شد. 85.01.18:

بگزارش روزنامه دولتی ایران، مرد جوانی بنام محمد باتهام قتل مهندس یک شرکت عمرانی بنام "محمد رضا دره گرای" در ملاء عام بدار آویخته شد.



## اعدام یک متهم بقتل در کرمان. 85.01.20:

به گزارش روزنامه دولتی جمهوری روز 19 فروردین ماه سال جاری فردی بنام علی پور محی آبادی باتهام قتل حسین ایرانمنش در شهر محی آباد از توابع کرمان به اعدام در ملاء عام و 165 ضربه شلاق محکوم شد.

## زندانی در زندان گوهردشت کرج بدار کشیده شدند. 85.01.31:

روز سه شنبه 29 فروردین ماه دو زندانی بنامهای علی اصغر نصرتی و سعید صالحی پور در زندان گوهردشت کرج بدار آویخته شدند. اتهام این دو زندانی حمل مواد مخدر و قتل بوده است.

## 9 زندانی در محوطه زندان اوین بدار آویخته شدند. 85.01.31:

به گزارش سایت دولتی فارس 9 زندانی باتهامهای قتل و مواد مخدر در محوطه زندان اوین بدار آویخته شدند.

## قاچاقچی مواد مخدر تبعه افغان در دلیجان به دار آویخته شد. 85.02.01:

به گزارش سایت دولتی ایرنا با حکم دادگاه دلیجان روز پنجشنبه 31 فروردین ماه یک نفر باتهام قاچاق مواد مخدر در زندان دلیجان بدار آویخته شد. متهم "محب علی باستانی" تبعه افغانستان بود.

## یک جوان اعدام شد. 85.02.02:

احمد سیاوش پور، رئیس کل دادگستری استان فارس اجرای حکم اعدام "مرتضی - ف" متهم به قتل عمد در زندان عادل آباد شیراز در روز گذشته را تأیید کرد.

## یک جوان باتهام قتل سرباز اصفهانی بدار آویخته شد. 85.02.06:

به گزارش روزنامه دولتی همشهری، در تاریخ 31 فروردین یک جوان بنام "مهدی" باتهام حمله سرباز کلانتری، ایراد ضرب و جرح و سرقت سلاح در شهر ریور 1383 باتفاق دو نفر دیگر انجام داده بودند، در زندان اصفهان بدار آویخته شد.

## اعدام یک زن در لرستان. 85.02.14:

گزارش سایت دولتی ایران، "فردی که دختر 4 ساله ای را در شهرستان "سلسله" به قتل رسانده بود، صبح سه شنبه اعدام شد. نام وی "فرزانه صادقی" را که متهم به قتل "فاطمه فرهادی" 4 ساله بود، که در ملاء عام به دار آویخته شد.